زن شرور دو بار زندگی می‌کند

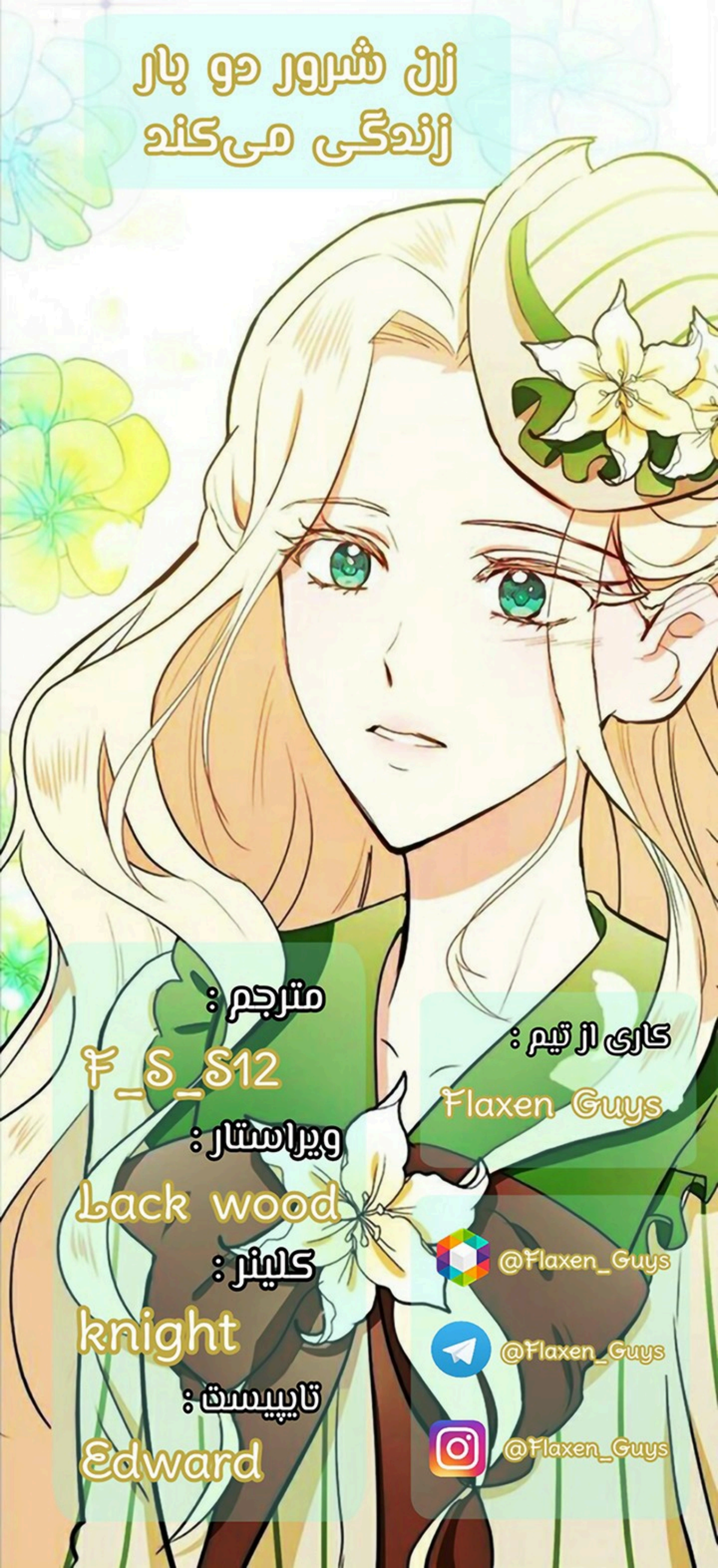

کاری از تیم :

Flaxen Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guys

مترجم :

F_S_S12

ویراستار :

Lack wood

کلینر :

knight

تایپیست :

Edward

The Villainess Lives Twice

Peachberry :طراح | Park Jinwoo, Kim Dalhae :رنگ آمیزی
Han Mint :نویسنده

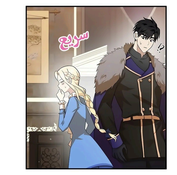

مشکلی نیست، پس لطفاً نرو.
هنوز صحبتمون تموم نشده.

من مزاحمتون نمی‌شم.

لطفاً اگه چیزی لازم داشتین، صدام کنین.

بستنی

من... معذرت می‌خوام که باعث شدم اون دچار سوءتفاهم بشه.

سوءتفاهمی پیش نیومده.

...
رها کردن

به وقت دیگه صحبتمونو ادامه می‌دیم.

من دیگه می‌رم...
برگشتن
تیا.
لطفاً نرو.
برنگرد.
...
بوسیدن
در طول اون زمستون،
بدنت ظاهر شدن
مثلکه تو دامنه سر زیونا بود.
خب، به هر حال،

شنیدم به پیشگو پیش‌بینی کرده که ملکه...

به تنهاییشون پایان می‌دن و از قصر بیرون میان

نباید این‌قدر صریح حرف بزنی.

می‌دونی اگه معبد این حرفا رو بشنود، چی می‌شه؟

می‌گن اون به پیشگو نبوده، بلکه به واسطه بوده.

شنیدم اهل محلات کثیفه..

پیشگویی کرده که قراره دروازه‌های قصر ملکه باز شه؟

پیشگویی... نمی‌شه گفت.

Grayson

توی خونه‌ی ویکونت گرایسون به مجلس احضار روح بر گزار شده بود.

به روح ظاهر شده...

و گفته که به بانوی والا مقام قراره امپراتور بعدی رو تعیین کنه.

ای بابا اینو که هر کسی می‌تونه بگه.

اداواجول

همه می‌دونن که ملکه...

توی انتخاب جایگاه سر لارنس حرف اولو می‌زنه.

ولی هیچ‌کس فکرشو نمی‌کرد...

که ملکه از قصر خارج بشه.

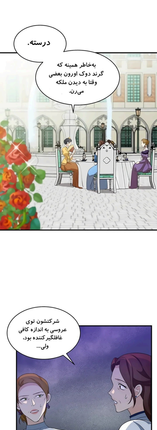
درسته.
به‌خاطر همینه که گردند دوک اورین بعضی وقتا به دیدن ملکه می‌اومد.

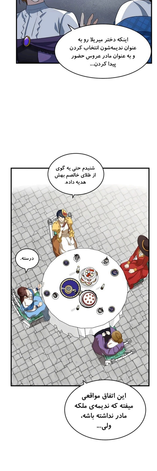
شرکتشون توی عروسی به اندازه کافی غافلگیر کننده بود.
ولی...
اینکه دختر میریلا رو به عنوان نزدیکشون انتخاب کردن و به عنوان مادر عروس حضور پیدا کردن...

شنیدم حتی به گودی از طرفی خاکیم بهش هدیه داده
درسته
این اتفاق مواقعی میفته که نزدیک‌ی ملکه مادر نداشته باشه.
ولی...

می‌تونم افکار ملکه رو درک کنم.
مارشینس رزان زیادی راجع به بچه‌ش خالی نمی‌ست؟

بانوان جوانم
این روزا خبری ازش ندارن.
ولی قبل از اون، وقتی ملکه خودشونو توی قصر حبس کرده بودن و داشتن برای بچه‌هاشون عزاداری می‌کردن.
مارشینس به همراه سر لارنس، دائمت همه جا پخش می‌کرد که بدنی‌ی که تنوه از بچه‌هاش مراقبت کنه آدم لایقی نیست.

ولی الان دخترش نذیمه ملکه‌س...

و سر لارنسم مدام تو قصر ملکه در حال رفت و آمده.

ولی اگه بخوایم دقیق‌تر نگیم، ملکه دیگه تنهایی رو کنار گذاشته؟

با اینکه درواژه‌های قصر ملکه باز شدن، ولی هنوزم درخواست ملاقات کسی رو قبول نکردن.

حداقل از قصرشون بیرون اومدن و در حضور بقیه راجع به مسئله‌ی وراثت صحبت کردن.

همین طور، من فکر می‌کنم که واسطه هم واقعیه.
اون حتی پسر بارون لاندون رو هم پیدا کرد.
*baron Landon

مگه پسر بارون لاندون...
بعد از اینکه عاشق یه خدمتکار شد، خونه رو ترک نکرد؟

آره، ولی موقعیت همسر بارون لاندون بدون پسر یکم...
بالاخره،
بارون لاندون همچنان بدون هیچ نشونه‌ای از بهبودی، بستری بود و رابطه‌ش با دختر همسر ساقش اصلاً خوب نبود.

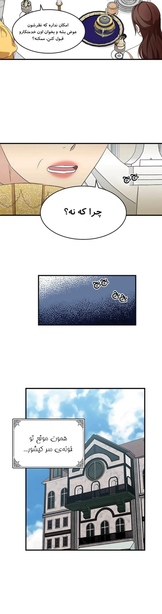
از وقتی هم که رفته، دخترم هیچ نشونه‌ای ازش نداره.
ولی می‌گن اون واسطه بهش گفته که اون کجاست.
که اینطور.

این خیلی برای قلمروی بارون لاندون دردسرساز.
امکان نداره که طرفدون موضع بنده و بچه‌ش این خدمتکار قبول کنن سیگما!
چرا که نه؟

چه؟
چه؟
چه؟

اگه پدرم بفهمه، تو دردسر میفتم

کمکتو نیستی؟
درموردِ اینکه انجمنش منحل شده چطور؟

تو هم شنیدی درسته؟
پیش‌بینی کرده که سر نواله به دختر کنت آرتیا پیشنهاد ازدواج داده.
*@Noah
*count Artiya

قبل از اون، هیچ‌کس نمی‌دونست که سر نواله بانو آرتیا رو دوست داره...

وگفته لیو رفته‌اند
هی ببخش قلقلکی، یادت‌که چرب و ترب‌ت هنوز هم‌پاکیزه تر؟
چیزی رو از دست ندادیم!

درسته

می‌خوام راجع بهش یه مقاله بنویسم
واقعاً؟ خاله بهت اجازه می‌ده؟

نه، ولی...
اگه روزنامه به‌خاطر مقالهِ فردش خودش دلشه باشه
مادرم دیگه نمی‌تونه چیزی بگه.

هیزل...
پس...

مایل لطفاً...
تا وقتی که مطالعه‌مو تموم‌سم این برگ بین خودمون بمونه!

...
فقط می‌خوام جاشو جور کنی، باشه؟

باشه

روز بعد
به میز دایره‌ای بی‌نقص.

نه نفر،
و به شمع جلوی هر نفر.

و...
به رومیزی سفید...

خوبه.

همه چی آماده‌س.